اشاره: این روزها خبر کشمکش‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و حتی نظامی روسیه با غرب به محوریت آمریکا بســـیار خبرساز می‌شود و دائم در صفحه اول خبرهای خبرگزاری‌های جهان جای دارد. برخی تصور می‌کردند با روی کار آمدن «جو بایدن»، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا، این نبرد کمی فروکش کند، چرا که بایدن را اهل گفت‌وگو می‌دانســـتند، اما آن‌چه در واقع رخ داد آن بود که تنش‌های غرب با محوریت آمریکا با چین از یک‌سو و با جبهه مقاومت از سوی دیگر کمتر نشد هیچ، بلکه دامنه تنش‌های غرب با روسیه نیز بســـیار افزایش یافته است. در مقاله پیش رو نویسنده به این تنش‌ها در روزهای اخیر پرداخته است، البته تمرکز را بر روی جنگ همه‌جانبه غرب با روسیه و چین در روزهای اخیر قرار داده است.

سرویس خارجی

شیب تنـد تقابل شـرق و غـرب در دوران بایـدن

امین الاسلام تهرانی

امروز گرچه دیگر پرده آهنین و تقسیم جهان به بلوک غرب و شـرق معنا ندارد، اما یک نبـرد ضمنی و ادامه‌دار بین غرب و شرق در جریان است که گاهی در کشمکش‌های روسیه با غرب، گاهــی در رقابت‌های تند و تیز چین و غرب و گاهی نیز در نبرد بی‌پایان جریان مقاومت به رهبری ایران با غرب ظهور پیدا می‌کند.

در دوران «دونالــد ترامپ»، رئیس‌جمهور پیشـــین آمریکا، سیاست خارجی آمریکا متناسب با خطوطی که سند استراتژی امنیت ملی این کشــور متمرکز بر شرق آسیا با محوریت چین بود؛ در حالی که سیاست خارجی ترامپ به علت نزدیکی نسبی شـخص ترامپ به روسیه تنشی با مسکو نداشت و در این حوزه یک آرامش نسبی و شکننده برقرار بود، تا جایی که برخی حتی نام اغراق‌آمیز «ماه عسل آمریکا و روسیه» را بر این دورن نهادند.

این سیاست خارجیِ خصوصاً ضد چینی که «مایک پمپئو» سـکان‌داری‌اش را به عهده داشـت به یک رویارویی تمام‌عیار با چیـن انجامید. درگیری‌های چین و آمریکا با تهدید دو طرف به تعرفه‌گذاری بر کالاهای یکدیگر بسـیار بالا گرفت. وقتی چین به خرید محصولات کشـاورزی آمریکا پایان داد، این جنگ شکل تازه‌ای به خود گرفت. چین این واکنش را در برابر وضع تعرفه ۳۰۰ میلیارد دلاری بر کالاهای چینی توسط آمریکا، صورت داد؛ چین حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال واردات کشاورزی از آمریکا داشت که با این تصمیم چین دیگر این مبلغ عاید آمریکا نخواهد شـد.

گرچه تقابل با چین بخشـی از اسـتراتژی ملی آمریکاسـت، اما به نظر می‌رسد که حساسیت‌های رئیس‌جمهور تازه رسـیده آمریکا، در مقایسه با دولت ترامپ نسبت به روسیه بیشتر است و این رئیس‌جمهور، نسبت به ترامپ، روابط این دو کشور را به فضای جنگ سرد بیشتر نزدیک می‌کند.

این جنگ اقتصادی تا کنون موجب نوسانات فراوان در بورس‌های آمریکا، اروپا و آسیایی بوده است.

دو سال پایانی ترامپ، یک رویارویی جدیِ اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی و حتی نظامی بین آمریکا و چین در جریان بود که آن را جنگ سرد آمریکا و چین می‌خوانند. هر روز خبری جدید از تهدید و اقدامات خصمانه یکی از طرف‌ها به جهان مخابره می‌شود، به ویژه از طرف آمریکایی که در واپسین روزهای حضور ترامپ در کاخ سفید اقدامات ضدچینی‌اش سرعت گرفته و گسترده شـده بود. البته این رویارویی که نام «جنگ سردِ جدید» گرفته است را می‌توان وسیع‌تر تعریف کرد به صورت جنگ سردِ غرب و شرق؛ که بررسی آن در این مجال نمی‌گنجد. جنگ اقتصادی، سیاسـی و دیپلماتیک بالا گرفت و کار به جایی رسید که وزیر امور خارجه آمریکا خواستار آن شد تا واشنگتن و هم‌پیمانانش از راه‌های خلاقانه‌تر و جسورانه‌تر برای تحت فشار قرار دادن حزب کمونیست چین جهت تغییر مسیرش استفاده کنند و این کار را «مأموریت زمان ما» خواند.

اما آیا با برآمدن بایدن دوران سیاست خارجی‌ای که منطق «جنگ سـرد» بر آن حاکمیت داشت، پایان یافته است؟ پاسخِ «خیر» به این پرسش با دو بخش آتی این مقاله روشن خواهد شد. در بخش اول، اوضاع آمریکای بایدن با چین بررسی می‌شود و در بخش دوم اوضاع روابط خارجی بایدن با روسیه تا روشن شود که منطق حاکم بر سیاست بایدن همان منطقِ «جنگ سرد» است و تنش‌ها با روسـیه بسیار گسترده‌تر از قبلِ نیز شده، در نتیجه نبرد سرد غرب و شرق به طور کلی گسترده‌تر شده است. (البته روشن است که این وضع تنها از جهاتی که شباهت با دوران روابط آمریکا-شوروی دارد، مورد نظر است؛ و الا هویداست که هر دوران اقتضائات ویژه خود را نیز دارد.)

مسئله چین

در همان روزهـای اول آمدن بایدن در خبرها آمد «آنتونی بلینکن»، وزیر خارجه آمریکا، در همان بدو امر تصریح کرد که از رویکرد سختگیرانه دولت ترامپ در مقابل چین حمایت می‌کند. همان زمان در جلسـه تأیید ژنرال «لوید آستین»، گزینه بایدن برای ریاست پنتاگون، او تأکید کرده بود چین جدی‌ترین رقیب [ما] است. این موضع‌گیری‌های سریع و صریح نشان می‌داد که دولتِ پسرِ خوبِ سیاستِ آمریکا قرار است راه همان دولتِ پسرِ بد را پیش بگیرد. (البته مواضعِ بسیار مثبت نسبت به رژیمِ آپارتایدِ صهیونیستی و تکرار مواضع دولت ترامپ در قبال ونزوئلا که جای خود، که بررسی آن مقاله‌ای مستقل می‌طلبد.)

کار به همین جا ختم نشـده اسـت. نمونه‌ها از پیام‌های تند واشنگتن به چین فراوان است. «مایک کافکا»، سخنگوی فرماندهـی اقیانوس هنـد-آرام آمریکا اواخـر روز جمعه در بیانیه‌ای گفت: ناوگروه هواپیمابر تئودور روزولت با دقت تمامی فعالیت‌های نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش آزادی‌بخش خلـق چین را زیر نظر داشـت و آنها هرگـز تهدیدی برای کشتی‌ها، هواپیماها و یا ملوانان و پرسنل نیروی دریایی آمریکا ایجاد نکردند. وی همچنین این افزایش فعالیت‌های چین در ایـن منطقه را به عنوان تازه‌ترین نمونه از اقدامات تهاجمی و بی‌ثبات‌کننده توصیف کرد. کافکا گفت، این اقدامات بیانگر ادامه تلاش ارتش آزادی‌بخش خلق چین برای استفاده از ارتشش به عنوان ابزاری برای ارعاب یا تحت فشار گذاشتن کشورهایی که در حریم هوایی و آب‌های بین‌المللی عملیات انجام می‌دهند، است که شامل همسایگانش و آنهایی که با چین بر سر ادعاهای قلمرویی رقابت دارند نیز می‌باشد.

کافکا افزود، آمریکا حضور نظامی دائمی دارد و مرتبا در سراسر منطقه هند-آرام از جمله در آب‌ها و حریم هوایی پیرامون دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی درست همان طور که در ۲۴۰ سال گذشته به این منطقه نزدیک شده‌ایم، عملیات انجام می‌دهیم. عملیات‌های ما نمایش مداوم تمایل ما برای حمایت از یک منطقه هند-آرام آزاد برای همه کشورها تحت قوانین بین‌المللی است.

البته این مقام آمریکایی از تحریک‌کننده بودن حضور بی‌پایان ناوهای کشـورش در اطراف چین چیزی نگفت. کار در روزهای اخیر به جایی رسید که ارتش آمریکا روز جمعه با تأیید گزارش روزنامه انگلیسی «فایننشال‌تایمز» اعلام کرد که بمب‌افکن‌های چین [در واکنش به حضور ناوهای آمریکا در آب‌های چین جنوبی] اخیراً حمله به ناو هواپیمابر نیروی دریایی آمریکا در دریای جنوبی چین را شبیه‌سازی کرده‌اند.

در بحبوحه تنش‌ها میان واشنگتن و پکن درخصوص مسئله تایوان، یک ناوگروه نظامی آمریکایی با هدایت ناو هواپیمابر «یو اس اس تئودور روزولت» اوایل هفته گذشته وارد دریای جنوبی چین شد. در پی اقدام واشنگتن در ورود به آب‌های مورد مناقشه چین، ارتش پکن نیز هشت بمب‌افکن «H-6K»، چهار جنگنده «جی-۱۶» و یک فروند هواپیمای جنگی ضدزیردریایی «Y-8» اعزام کرد که از تایوان به سمت آبراه مورد مناقشه دریای جنوبی چین پرواز کردند.

روزنامه فایننشال تایمز به نقل از افراد آگاه از اطلاعات آمریکا و همپیمانان این کشور روز جمعه گزارش کرد که بمب‌افکن‌ها و جنگنده‌های چین حمله‌ای را به ناوگروه تهاجمی تئودور روزولت ایالات متحده شبیه‌سازی کرده است. خلبان‌های بمب‌افکن‌های چین نیز ظاهراً دسـتورات حمله دریایی و شبیه‌سـازی شلیک موشک‌های ضدکشتی را تأیید کرده‌اند.

«جیک سـالیوان»، مشاور امنیت ملی آمریکا، نیز در جریان دیداری در موسسـه آمریکایی صلح در واشنگتن گفت، آمریکا بایـد آماده اعمال مجـازات و اقداماتی علیه چین بابت آنچه در سـین‌کیانگ و هنگ کنگ انجام می‌دهد و تهدیدهایی که علیه تایوان روا می‌دارد، باشـد. او نگفت که واشنگتن چه اقداماتی را ممکن اسـت انجام دهد اما به این نکته اشاره کرد، مسئله چین در راس مسائلی است که بین ایالات متحده و متحدانش در اروپا مورد بررسی قرار گرفته است.

ایـن مقام امنیت ملی آمریـکا در دولت بایدن همچنین بر ضرورت واکنش‌های مشترک با اروپا در قبال آنچه سوءاستفاده‌های تجاری و فناوری چین نامید، تأکید کرد و افزود، ما درباره این‌چنین موضوعاتی رویکری همسو نداریم. فکر می‌کنم چین مسئله‌ای است که می‌تواند به عنوان کاری مشـترک بین ما و متحدانمان قرار گیرد و ما باید درباره آن اتفاق نظر داشته باشیم و همکاری کنیم.

این سخنان سالیوان نشان می‌دهد که دولت بایدن نه تنها آن جنگِ اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی که دولت ترامپ به راه انداخته بود را ادامه خواهد داد، بلکه یک جنگ تمام‌عیار حقوق بشری را نیز علیه چین پیگیری خواهد کرد. اما اینکه دولت بایدن گفته که خواستار همکاری با پکن در اولویت‌های سیاست‌گذاری چون تغییرات جوی است، برای خالی نبودن عریضه است. به یاد داشته باشیم که وزیر خارجه بایدن نیز تصمیم لحظه آخری پمپئو را درباره این‌که چین در سـین‌کیانگ نسل‌کشی مرتکب شده، سـتوده است. این اقدام فشار برای تحریم‌های بیشتری از سوی آمریـکا در قبال چین را افزایش می‌دهد. دولت بایدن همچنین در بحبوحـه افزایش فعالیت‌های نظامی چین در نزدیکی جزیره تایوان، بیانیه‌ای محکم در حمایت از حکمرانان اسـتقلال‌طلب تایوان که چین واحد را منکرند، منتشـر و تأکید کرد که دولت آمریکا به تعهداتش در قبال تایوان قاطعانه پایبند است. تمام این مفاد پیش گفته نشان می‌دهد که منطق جنگ سرد در سیاست خارجی بایدن در قبال چین کاملاً حکمفرماست.

البتـه نگرانی‌هـا در مورد چین تنهـا در آمریکا ظهور پیدا نمی‌کند، چند روز پیش «جرمی فلمینگ»، مدیر ستاد ارتباطات (جاسوسی) دولت انگلیس (GCHQ) در سخنانی گفت که رهبری مهم تکنولوژی در حال انتقال به دست شرق است و این امر باعث

نگرانی‌ها در مورد شرق تنها در آمریکا ظهور پیدا نمی‌کند؛ برای مثال چند روز پیش «جرمی فلمینگ»، مدیر سـتاد ارتباطات (جاسوسـی) دولت انگلیس (GCHQ) در سخنانی گفت که رهبری مهم تکنولوژی در حال انتقال به دست شرق است و این امر باعث تضاد منافع و ارزش‌ها می‌شود.

تضاد منافع و ارزش‌ها می‌شود. وی با اشاره به چین به عنوان یکی از تهدیدات ویژه، افزود که اندازه و وزن تکنولوژی این کشور بدان معناست که چین توانایی کنترل سیستم عامل جهانی را دارد.

در مقابل چین نیز ساکت نشسته است، اواسط فروردین‌ماه ناو هواپیمابر چین و ناوگروه همراه آن در نمایش قدرت به حضور آمریکا در منطقه برای استقرار در اقیانوس آرام از یک آبراه مهم در ژاپن عبور کرد. دفتر ستاد مشترک وزارت دفاع ژاپن یکشنبه اعلام کرد که ناو هواپیمابر چینی «لیائونینگ» و پنج ناو همراه آن از یک مسیر مهم آبی ژاپن عبور کرده و راهی اقیانوس آرام هستند. سـتاد مشـترک ژاپن افزود که این ناو گروه در ۴۷۰ کیلومتری جنوب غربی جزایر «دانجو» در استان ناگازاکی مشاهده شد. این ناوگروه سپس از تنگه میاکو، به عرض ۲۵۰ کیلومتر بین جزیره اوکیناوا و جزیره میاکو عبور کرد.

موسسه تحقیقات دفاع ملی و امنیت در گزارشی اشاره کرده است که ناوهای جنگی جدید نیروی دریایی چین قصد این کشور برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ دریایی و به چالش کشیدن آمریکا را نشان می‌دهد. «سـو زویان» تحلیلگر نظامی موسسه تحقیقات دفاع ملی و امنیت گفته است که موشک‌های بالستیک از زیردریایـی اتمی این امکان را به چین می‌دهد از دریای چین جنوبی به سواحل غربی آمریکا حمله کند.

خبر دیگر از نبرد شرق و غرب آن‌که «وو کیان»، سخنگوی وزارت دفـاع چین، در انتقاد از قصـد دولت آمریکا برای تقویت بودجه نظامی هنگفت این تاکید کرد، این اقدام ناشی از اختلال روانی و روان‌پریشـی برخی از اعضای خاص دولت «جو بایدن»، رئیس‌جمهور آمریکا، است. او ادامه داد: «این موضوع تجسم نوعی از اختلال روانی است که می‌تواند علاوه‌بر آسیب زدن به خودشان، تنها باعث آسیب زدن به دیگران شود.»

همچنین «وانگ ونبین»، سـخنگوی وزارت خارجه چین، در پاسـخ به سؤالی مبنی بر اینکه آمریکا چین را به دیپلماسی زورگویانه متهم کرده اسـت گفت: «هیچ‌کس بیشـتر از آمریکا شایسـته عنوان «دیپلماسـی زورگویانه» نیسـت و هیچ کس نمی‌تواند این پروانه را از آنها بگیرد.» او تصریح کرد جنگ و هرج و مرج محصول دیپلماسی زورگویانه آمریکا بوده است. او در ادامه

این صف‌کشی غرب به رهبری آمریکا علیه شرق می‌تواند موجب همگرایی بیش از پیش دولت‌های شرقی چون روسیه و چین با یکدیگر شـــود و روابط این دولت‌ها را تا سطح پیمان‌های استراتژیک پیش ببرد و این گونه دولت‌های غربی راه دشوارتری را پیش روی خود خواهند داشت.

گفت: «در سال ۱۹۷۱، الکساندر جورج، استاد دانشگاه، نخستین کسـی بود که این مفهوم را برای خلاصه کردن سیاست آمریکا در قبـال لائوس، کوبا و ویتنام در آن زمان به کار بود. آمریکا از طریق اقداماتش نظیر تهدید نظامی، انزوای سیاسی، تحریم‌های اقتصادی و تحریم فناوری به دنیا نشان داده دیپلماسی زورگویانه به چه معنا است.»

مسئله روسیه

اما در مورد روسیه جریان متفاوت است. معروف بود که دولت ترامپ به ویژه شخص او رویکرد نسبتاً مثبتی در قبال روسیه دارد تا جایی که «جان بولتون»، مشاور پیشین امنیت ملی ترامپ، در کتابش ادعا کرد که پوتین، افسر سابق کا.گ.ب، می‌توانست ترامپ را مانند موم در مشـتش شکل دهد. ادعایی که کرملین فورا رد کرد؛ اما دولت بایدن از همان ابتدا شمشـیر را برای روسیه از رو بسته است. چندی پیش «الکسی ناوالنی»، یکی از رهبران مخالفان روسـیه، وارد خاک این کشور شد و در بدو ورودش در فرودگاه دستگیر شد، چرا که گفته می‌شود، ناوالنی در پرونده‌ای موسوم به «روچر» با مجازات تعلیقی مواجه است و به علت از دست دادن حضور در چندین جلسـه بازپرسی (به علت حضورش در خارج از کشور) در فهرست افراد تحت تعقیب دولت روسیه قرار گرفته بود. با دسـتگیری او مخالفان دولت روسیه و دوستداران ناوالنی قصد داشتند در اعتراض به بازداشتش تجمعات اعتراضی برگزار کنند. بعد از این بود که سفارت آمریکا در اقدامی که مداخله‌جویانه توصیف شـد، بیانیه‌ای صادر کرد و به بهانه دفاع از شهروندانش در روسیه «فهرست نقاط محل تجمع معترضین» را منتشر کرد. اقدامی که واکنش تند روسیه را در پی داشت.

پس از آن سخنگوی کاخ سفید تصریح کرد دولت بایدن در بررسی‌های خود برای واکنش به دستگیری آلکسی ناوالنی، این مخالف غربگرای دولت روسیه، همه گزینه‌ها را روی میز نگاه خواهد داشت. خود جو بایدنِ نیز روز سه‌شنبه (۷ بهمن/ ۲۶ ژانویه) وارد ماجرا شـد و صریحاً گفت که از رفتار روسیه بسیار نگران است. او گفت: «ما هم می‌توانیم در قالب توافق اسـتارت‌نو [با روسیه] در راسـتای منافع کشورمان کار کنیم و هم این را برای روسیه روشن کنیم که درباره رفتارشان چه در قضیه آلکسی ناوالنی چه در ماجرای سـولارویندز و چه در گزارش‌های مربوط به تعیین جایزه برای سر سربازان آمریکایی در افغانستان بسیار نگرانیم.»

کاخ سفید بایدن همچنین گفته است که او به جامعه اطلاعاتی آمریکا دسـتور داده درباره مسمومیت مشکوک ناوالنی به دست کرملین، و همچنین اتهام دخالت روسـیه در انتخابات و گزارش هک گسترده اخیر پایگاه‌های داده‌های دولت آمریکا تحقیق کند.

به نوشته وبگاه «اسـتراایپس» ناوشکن «یو اس اس پورتر» چندی پیش در حمایت از نیروهای ناتو وارد دریای سـیاه شد تا به دو ناو جنگی دیگر آمریکا در این منطقه راهبردی بپیوندد. یک کشتی دیگر نیز در روزهای گذشته با دادن سوخت به ناو شکن یو اس اس پورتر این کشـتی را قادر ساخت بدون نیاز به حضور در بندر و سـوختگیری به ماموریت خود در دریا ادامه دهد. در سال‌های گذشته آمریکا اعلام کرده که حضور پرقدرت نظامی را در دریای سیاه که شامل شبه جزیره کریمه است، خواستار است.

یک مقام ارشد نظامی سابق آمریکا در اظهار نظری در زمینه این تحرک نظامی گفت، ما باید اولویت را در منطقه دریای سیاه افزایش دهیم. نیروی دریایی آمریکا نیازهای زیادی دارد و منابع کنونی کافی نیست. رسانه‌های روسی نیز خبر دادند همزمان با این تحرک نظامی، یک سامانه متحرک موشکی ضد کشتی این کشور در کریمه به بهانه تمرین نظامی فعال شـده است. ناوگان دریای سیاه نیروی دریایی روسـیه بارها اعلام کرده که در حال پایش تحرکات کشتی‌های آمریکایی و دیگر اعضای ناتو در منطقه است.

وزارت دفاع روسـیه چندی قبل به همین منظور از برگزاری رزمایش بزرگ در دریای سیاه خبر داد. به گفته وزارت دفاع روسیه، ۲۰ کشتی جنگی به همراهی بالگردها و هواپیماهای نظامی ناوگان دریای سـیاه این کشور در این رزمایش شرکت کردند.نیروهای مسلح روسیه در این رزمایش، نبرد دریایی و عملیات‌های پدافند هوایی و جنگال را تمرین کردند.

تمام این موارد پیش‌بینی بنیاد مشـهور آمریکایی را تأیید می‌کند؛ چندی پیش اندیشـکده «کارنگی» آمریکا در گزارشی نوشته بود، بایدن روسیه را بزرگ‌ترین تهدید برای آمریکا می‌داند که سیاست تضعیف کشورهای غربی و تضعیف نهادهای غربی مانند ناتو و اتحادیه اروپا و واژگونی نظم لیبرال غربی را دنبال می‌کند. این اندیشکده همچنین پیش‌بینی کرده بود که چهار سال آینده برای روابط آمریکا و روسیه پرتلاطم خواهد بود.

لازم به یادآوری اسـت که وزارت خارجه روسـیه نسبت به مداخله آمریکا در امور داخلی خود و پیامدهای آن هشـدار داده اسـت. آمریکا و برخی کشـورهای غربی به شدت حامی ناوالنی منتقد دولت روسیه هستند. روز یکشنبه برخی هواداران ناوالنی به خیابان‌ها آمده و بین نیروهای امنیتی و آنها تقابل صورت گرفت.

وزارت خارجـه روسـیه در واکنـش بـه موضع‌گیری‌های مداخله‌جویانه آمریکا در مسـئله ناوالنی در روزهای گذشته نیز اعلام کرد که نفاق‌افکنی، ابزار دموکراسی آمریکایی به ویژه در دوره خطرناک همه‌گیری کروناست. این وزارتخانه به مقامات آمریکایی توصیه کرد با توقف دخالت در امور سایر کشورها حواسشان را به مشکلات خود معطوف کنند.

البته گسترده شدن این نبِرد در سال‌های اخیر نشانگر آن است که دیگر ایام تُرک‌تازی آمریکا در جهانی که کاملا با منویات غرب به رهبری واشـــنگتن تنظیم می‌شد، گذشته است؛ چنان‌که سخنگوی کرملین از اتمام جهان تکَ‌قطبی و حرکت به سمت نظم چند قطبی خبر داده است.

گرچه کرملین ضمن نشر اعلامیه‌ای گفته است که «تمدید (پیمان استارت نو) به نفع کشورهای ما (روسیه و آمریکا) و تمام جهان است.» پیش از آن رئیس‌جمهور روسیه و رئیس‌آمریکا برای اولین بار با یکدیگر تلفنی صحبت کردند. کاخ سفید گفته است که بایدن در این گفت‌وگو نگرانی‌ها در مورد بازداشـت ناوالنی، اتهام شمولیت روسیه در جاسوسی سایبری و گزارش‌ها در مورد پیشـکش انعام از سوی روسـیه برای کشتن سربازان آمریکایی در افغانسـتان را نیز مطرح کرده است. در اعلامیه کرملین آمده اسـت که هر دو طرف برای تمدید آخرین توافقنامه مهم کاهش سلاح‌های هسته‌ای بین دو کشور برای پنج سال آینده، در اصول آمادگی‌شان را ابراز داشته‌اند. گفته شده که پوتین حتی در این رابطه پیش‌نویس قانونی را مسـتقیماً به پارلمان روسیه معرفی کرده است. لئونید سلوتسکی، رئیس‌کمیته امور خارجی «دومای دولتی» (مجلس سـفلای مجمع فدرال روسیه)، گفته است که روند تصویب این قانون بلافاصله آغاز می‌شود.

در معاهده استارت نو درج شده است که هر یک از کشورهای آمریکا و روسـیه کلاهک‌های اتمی خـود را به ۱۵۵۰ و جنگ افزارهای اتمی ماننـد راکت‌های اتمی و جت‌های جنگی مجهز با کلاهک اتمی را به ۸۰۰ کاهش بدهند. این پیمان برای مدت ده سـال اعتبار دارد که به تاریخ ۵ فوریه ۲۰۲۱ (۱۷ بهمن ماه) پایان می‌یابد.

گرچه این معاهده شاید نقطه مثبتی تلقی شود، اما نمی‌تواند منطق جنگ سـردی که بر روابط آمریکای بایدن و روسیه سایه افکنده را رد کند. باید توجه کرد که بایدن همچون بسـیاری از دموکرات‌های دیگر مؤلفه حقوق بشر را نیز وارد معادلات پیچیده بین آمریکا و روسـیه (همچون روابط آمریکا و چین) می‌کند و فضای یخ زده دو طرف را شکننده‌تر می‌کنند.

ماجرا به اینجا و به آمریکا ختم نشـده اسـت. چندی پیش رسانه‌های روسی از احضار سفیران کشورهای اسلواکی، لیتوانی، استونی و لتونی در مسـکو به وزارت خارجه روسیه خبر دادند. وزارت خارجه روسـیه برای ابلاغ رسـمی اعتراض و همچنین پاسخ مسکو به اخراج دیپلمات‌های خود از این کشورها، سفیران آنها را احضار کرد. طی روزهای اخیر کشـورهای غربی از جمله آمریکا، لهسـتان، جمهوری چک، اسـتونی، لیتوانی و لتونی، با تحریک واشـنگتن، تعدادی از دیپلمات‌های روس را از کشـور خود اخراج کردند.

سپس خبر رسید که وزارت خارجه روسیه روز چهارشنبه به تلافی اخراج دیپلمات‌های خود، دستور اخراج هفت دیپلمات از

با سقوط شوروی تقسیم جهان به بلوک غرب و شرق معنا ندارد، اما همواره یک نبرد ضمنی و ادامه‌دار بین غرب و شرق در جریان است که در سال‌های اخیر بسیار جدی شده است و گاهی در کشـمکش‌های روسیه با غرب، گاهی در رقابت‌های تند و تیز چین و غرب و گاهی نیز در نبرد بی‌پایان جریان مقاومت به رهبری ایران با غرب ظهور پیدا می‌کند.

کشورهای اسلواکی، لتونی، لیتوانی و استونی را صادر کرد. به این افراد یک هفته فرصت داده شده تا روسیه را ترک کنند.

پیـش از آن نیز دولـت رومانی در اقدامی، معاون وابسـته نظامی در سـفارتخانه روسیه را «عنصر نامطلوب» معرفی کرده و از او خواسـت که این کشـور را ترک کند. به گزارش فارس، با این حال، «دیمیتری پسـکوف» سخنگوی کاخ کرملین با بیان اینکه تنش‌های اخیر با روسیه را کشورهای غربی آغاز کردند، از آنها خواست که آرام باشند و تفکرات ضد روسی را کنار بگذارند. پیش از این، وزارت خارجه روسیه با هشدار درباره هرگونه اقدامات تنش‌زای بیشـتر توسط کشـورهای اروپایی علیه دیپلمات‌های مسکو، گفته بود در صورت برداشتن گام‌های جدید توسط آنها، مسکو نیز تلافی می‌کند.

گفتنی است که این اتفاق را نیز باید ذیل نبرد دیپلماتیک بین روسـیه و غرب تحلیل کرد که چند وقتی است در جریان است. چندی پیش نیز دولت آمریکا تحریم‌های جدیدی را علیه ۳۲ فرد و نهاد روسی اعمال کرد. به دنبال آن کاخ سفید ۱۰ دیپلمات روس را نیز به جاسوسـی متهم کرد و از آنها درخواست کرد آمریکا را ترک کنند. در واکنش به این اقدام آمریکا، مسـکو از اخراج ۱۰ دیپلمات آمریکایی از روسـیه خبر داد و ۸ مقام آمریکایی را در لیست تحریم‌های خود قرارداد. مسکو روز شنبه نیز، ۵ دیپلمات لهستانی را اخراج کرد.

اوایل ماه جاری میلادی، جو بایدن با امضای حکمی اجازه به اعمال یک سری تدابیر محدودیت‌آمیز علیه شرکتها و مقام‌هایِ روس داد. این اقدام همچنین اینکه نهادهای مالی آمریکا مستقیماً در خرید بدهی حاکمیتی یک کشور مشارکت کنند را ممنوع کرد چرا که این یک سیاست مورد استفاده دولت‌های سراسر جهان به جهت تقویت اقتصادهایشان است.

سـفارت آمریکا در مسکو از ۱۲ مِی (۲۲ اردیبهشت) تعداد خدمات کنسـولی را بعد از محدودیت‌های اعمال شده از سوی روسـیه درخصوص اسـتخدام کارکنان محلی کاهش می‌دهد. خبرگزاری «تاس» روسـیه هم اعلام کرد این سفارتخانه امروز جمعه در وب سـایت خود از کاهش کارکنان کنسـولی تا ۷۵ درصد خبر داد.

در ادامه این نبرد دائمی غرب و شـرق که این‌روزها گسترده شـده، پارلمان اروپا قطعنامه‌ای را به تصویب رسـانده است که خواستار اعمال تحریم‌های جدید علیه پروژه خط‌لوله گاز «نورد استریم»، شرکت «روس‌اتم» و اخراج روسیه از سامانه پیام‌رسان بانکی «سوئیفت» شده است. قطعنامه مذکور با ۵۶۹ رأی موافق و ۶۷ رأی مخالف به تصویب پارلمان اروپا رسیده است.

در این قطعنامه از اتحادیه اروپا خواسته شده وابستگی خود به انرژی روسیه را کاهش دهند. از نهادهای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو این اتحادیه نیزخواسـته شده تکمیل پروژه خط لوله نورد استریم و نیروگاه‌های هسـته‌ای در حال ساخت توسط شرکت روس‌اتم را متوقف کنند.

قطعنامه اتحادیه اروپا هشـدار داده چنانچه اقدام روسیه در تقویت تشـکیلات نظامی خود در مرز با اوکراین به حمله به این کشور منجر شود، اتحادیه اروپا باید این را روشن کند که چنین اقدامـی بهای گزافی در پی خواهد داشـت. قانونگذاران اروپایی گفته‌اند در صورت وقوع چنین اتفاقی واردات گاز و سـوخت از روسـیه به اتحادیه اروپا باید فوراً متوقف شده و روسیه از سامانه سوئیفت اخراج شود.

گفتنی اسـت، «سوئیفت» سرواژه‌ای اسـت که از کنار هم قرار گرفتن حرف اول عبارت «جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی» در زبان انگلیسـی ایجاد شده است. مقر اصلی این شبکه که تراکنش‌های مالی جهانی را تسـهیل می‌کند در بلژیک قرار دارد، امـا اعضای هیئت‌مدیره آن را مدیران بانک‌های آمریکایی تشـکیل می‌دهند. البته باید افزود که روسیه پیش از این گفته بود که قصد دارد با ایجاد یک شبکه مشابه سوئیفت به تهدیدها برای اخراج از این سامانه واکنش نشان دهد.

فرجام بحث

چنانچه در مقدمه این مقاله آمد، با سقوط شوروی به ظاهر دیگر «جنگ سرد» و تقسیم جهان به بلوک غرب و شرق معنا ندارد، اما همواره یک نبرد ضمنی و ادامه‌دار بین غرب و شرق در جریان است که در سال‌های اخیر بسیار جدی شده است و گاهی در کشمکش‌های روسیه با غرب، گاهی در رقابت‌های تند و تیز چین و غـرب و گاهی نیز در نبرد بی‌پایان جریان مقاومـت به رهبری ایران با غرب ظهـور پیدا می‌کند. البته گسـترده شدن این نبرد در سال‌های اخیر نشان‌گر آن است که دیگر ایام تُرک‌تازی آمریکا در جهانی که کاملاً با منویات غرب به رهبریِ واشنگتن تنظیم می‌شد، گذشته است؛ چنان‌که سخنگوی کرملِین از اتمام جهان تک‌قطبی و حرکت به سمت نظم چند قطبی خبر داد.

باید گفت که گرچه تقابل با چین بخشـی از استراتژی ملی آمریکاست، اما به نظر می‌رسد که حساسیت‌های رئیس‌جمهور تازه رسیده آمریکا، در مقایسه با دولت ترامپ نسبت به روسیه بیشتر است و این رئیس‌جمهور، نسبت به ترامپ، روابط این دو کشور راِ به فضای جنگ سرد بیشتر نزدیک می‌کند. باید توجه داشت، قطعاً رفت و آمد رئیس‌جمهورهای آمریکا بر سیاست داخلی و خارجی این کشور تأثیرگذار است، اما این گونه نیست که این سیاست‌ها (به ویژه سیاسـت خارجی) یکسـره تابعی محض از کنش‌های شخص رئیس‌جمهور آمریکا باشـد. چنان‌که «نوام چامسکی»، فیلسوف، زبان‌شناس و تحلیلگرِ سیاسیِ شهیر آمریکا، چند سال پیش تأکید کرده بود، جریانِ تصمیم‌سـازی و تصمیم‌گیری در آمریکا دارای زنجیری اسـتَ که تنهـا یکی از این حلقه‌های آن شخص رئیس‌جمهور است، کارتل‌های نفتی، لابی‌های اسرائیلی و... به عنوان دیگر حلقات همه و همه بر سیاست‌های آمریکا تأثیر می‌گذارند و آنها را می‌سازند.

تمام این اخبار نشان می‌دهد که سیاست خارجی بایدن را باید در ادامه سیاست خارجی ترامپ تفسیر کرد، گاهی هم رادیکال‌تر از آن، البته با تفاوت در مشـی که‌گریزناپذیر است. این مسئله، قدرتِ حلقات دیگر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سـازی در آمریکا را نشـان می‌دهد که سیاست خارجی آمریکا تابعی از نقش‌آفرینی همه آن‌هاست.

یک نکته دیگر آن‌که این صف‌کشـی غرب به رهبری آمریکا علیه شـرق می‌تواند موجب همگرایی بیش از پیش دولت‌های شرقی چون روسیه و چین با یکدیگر شود و روابط این دولت‌ها را تا سطح پیمان‌های استراتژیک پیش ببرد و این گونه دولت‌های غربی راه دشوارتری را پیش روی خود خواهند داشت.

منابع در دفتر روزنامه موجود است.